

حکومت واحد جهانی و قرآن کریم

سیداصغر جعفری
دانشجوی دکتری حقوق بین الملل



و امنیت واقعی
این است که
مرزهای ساختگی
و اعتباری، که
منشأ اختلاف بشری،
دسته‌بندی‌ها، تضاد منافع،

رقابت‌های کشنده و ستیزه‌جویی‌ها و
جنگ‌های غیرانسانی هستند، از جامعه بشری برداشته
شوند و نهال وحدت، همدلی، مساوات و آزادی معقول
در آن کاشته شود.

شاید برخی‌ها این ایده و آرمان را «یوتوپایی»^۱،
تخیلی و دست‌نیافتنی تصور کنند اما با بررسی
اندیشه‌های بزرگ مشاهده می‌شود که اگر چنین جهانی
دست نیافتنی، یوتوپایی و خیال‌گونه بود، حتی حرفش
هم مطرح نمی‌شد. وقتی اندیشمندان و فلاسفه بزرگی
مانند افلاطون، ارسطو، سیسرون، آگوستین قدیس،
توینبی، راسل و نظایر آن‌ها که مردان اندیشمند و
صاحبان علم و معرفت‌اند و توانسته‌اند به فرهنگ و تمدن
بشریت شکل دهند و تأثیرات عمیقی بر محیط زندگی
بر جای بگذارند و از سوی دیگر، برای آنان که به تفکر
بازرزش ارج می‌نهند و نگران آینده و جامعه بشری
هستند و آثار دانشمندان و تفکرات آن‌ها را راهنمایی
پرازش تلقی می‌کنند و چنین جهانی را تصور و تعریف
می‌کنند، حتما می‌تواند وجود داشته باشد و دست‌نیافتنی
هم هست. اگر چنین جهانی قابل تبلور نبود، مکتب‌های
توحیدی بشارتش را نمی‌دادند. پیدایش سازمان‌های
مختلف و رنگارنگ جهانی مانند جامعه ملل، سازمان
ملل، جامعه جهانی حقوق بشر، صلیب سرخ و بهداشت

تشکیل

یک نظام
واحد جهانی
اندیشه‌ای است
که از دیرباز مطرح
بوده است و ریشه در ندای
فطری و درونی انسان‌ها دارد.

قریب به اتفاق همه مکاتب پرآوازه‌ای که
در طول تاریخ به منصفه ظهور رسیده‌اند - اعم از الهی و
غیرالهی - اعتقاد به برقراری یک حکومت واحد جهانی و
ضرورت حاکمیت چنین نظامی را مطرح ساخته‌اند. در این
بخش موضوع تأسیس حکومت واحد جهانی بر پایه بینش
توحیدی مبتنی بر قوانین اسلام را تشریح خواهیم کرد.

کلیدواژه‌ها: حکومت واحد جهانی، عدالت، صلح،

منجی

الف. اندیشه جهان‌شمولی اسلام

اسلام بر پایه یک نیاز فطری بشر و یا استدلالی
حکیمانه بر این اعتقاد است که اگر قرار باشد جامعه
بشری به بهترین شیوه اداره شود و بشر روح صلح، امنیت
و سعادت واقعی را به خود ببیند و راه رشد و تکامل را
طی کند، راهش این است که همگان تحت حکومت
واحد جهانی مبتنی بر قوانین آسمانی اسلام درآیند؛ چرا
که این دین برخلاف مکاتب دیگر مرزهای ملی، قومی
و نژادی مربوط به رنگ پوست و نظایر آن را از میان
برداشته و قادر است همه جهان را تحت قانون واحدی
اداره کند. اسلام معتقد است که تنها راه عملی حل
مشکل بشریت در همه قرون و اعصار و رسیدن به صلح

جهانی، سازمان جهانی حفظ محیط زیست و نیز صدور اعلامیه‌ای عریض و طویل جهانی، همگی خود حاکی از این است که اولاً چنین دنیایی نیاز فطری بشر است و ثانیاً [پدید آوردن آن] عملی و امکان پذیر است. (دوست محمدی، ۱۳۷۶: ۶۶-۶۵)

بنابراین، واقعیت این است که بشر از زمانی که پا به عرصه حیات گذاشته، همواره در پی ساختن دنیایی بوده است تا در آن همه بشریت به نسبت از حقوق و امتیازات برابر برخوردار باشند و احساس امنیت و رضایت خاطر کنند. مصلحان و متفکران از زمان‌های بسیار دور به فکر تحقق این مرحله از تکامل در جامعه بشری بوده‌اند؛ با این تفاوت که هر فرد یا گروهی مرحله ایده‌آل را به صورت خاصی تعقیب می‌کرده است.

پیامبران الهی عالی‌ترین راه و مطمئن‌ترین روش را برای رسیدن به این آرزو، رسیدن بشر به بینش و عقیده واحد دانسته‌اند. به همین سبب خود و پیروانشان و تمامی کسانی که به نوعی از مکتب آسمانی آنان متأثر بوده‌اند، همه تلاش خود را در تعلیم و تزکیه انسان‌ها به کار برده و همگان را به سوی معبود واحد راهنمایی کرده‌اند. ایشان انسان‌ها را در اصل از جوهر و منشأ واحدی معرفی کرده و اختلافات نژادی و قومی و غیره را عارضی و غیر اصیل دانسته‌اند. چنان که در قرآن کریم آمده است: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم» (حجرات/۱۳)

دین اسلام آیین فطرت انسانی است و همه انسان‌ها صرف نظر از تعلقشان به طبقه و نژادی خاص، در این زمینه مشترک و یکسان‌اند: «فطرت الله التی فطر الناس علیها» (روم/۳۰). از این رو طبیعت تکامل‌پذیر انسانی ایجاب می‌کند که بالاخره روزی تمامی بشریت به این آیین رو آورند. پیامبر اسلام (ص) نیز عهده‌دار این رسالت بود که همگان را به چنین دین جهان‌شمولی فرا بخواند. آیات فراوانی از قرآن کریم در این زمینه وجود دارند که نشان‌دهنده اندیشه جهان‌شمولی اسلام‌اند که در اینجا به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود.

«هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کلّه» (فتح/۲۸): او کسی است که پیامبر خود را با راهنمایی و دین راست فرستاد، تا مگر آن را بر هر چه دین است، چیرگی بخشد...

«قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً» (اعراف/۱۵۸): بگو ای مردم من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم.

«و ما ارسلناک الا کافه للناس بشیراً و نذیراً ولکن اکثر الناس لا یعلمون» (سبا/۲۸): و تو را نفرستادیم مگر برای تمامی مردم، بدان سان که هم مژده ده و هم ترساننده باشی. اما [این را] بیشتر مردم در نمی‌یابند.

«ان الدین عندالله الاسلام» (آل عمران/۱۹): همانا دین پیش خدا، فقط اسلام است...

«و من یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه» (آل عمران/۸۵): و هر که به جز اسلام دینی بجوید، هرگز از وی پذیرفته نخواهد شد.

«و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین» (انبیا/۱۰۷): و نفرستادیم تو را مگر همچون رحمتی بر جهانیان.

افزون بر آیات قرآنی و استدلال‌های منطقی و نیز اقتضای ماهیت فطری بودن اسلام، پیامبر نیز عمل‌در راه انجام همین رسالت جهانی گام‌های بلندی برداشت و در دوره بسیار کوتاه زمامداری خود، دیپلماسی فعالی را در جهت معرفی آیین خود انجام داد. آن حضرت با نامه‌نگاری و فرستادن پیک نزد رؤسای قبایل و سران کشورهای جهان آن روز، به همه اعلام کرد که مأمور انجام یک وظیفه جهانی است.

البته پیروان سایر ادیان و مکاتب بر این عقیده بوده‌اند که تشکیل جامعه جهانی در صورتی ممکن است که همگان دارای عقیده و بینش واحدی - که طبعاً همان عقیده و جهان‌بینی مخصوص خود آنان است - باشند. در این میان، تنها اسلام است که برای وصول به صلح جهانی وحدت عقیده را ضروری ندانسته بلکه معتقد است با رسمیت یافتن اصل توحید و استفاده از نقاط مشترک و کلی ادیان - که همان اعتراف به لزوم پرستش خدا و نفی هرگونه شرک است - می‌توان به این مرحله از تکامل اجتماعی دست یافت. به همین دلیل است که از همان آغاز، پیروان خود را به زندگی مسالمت‌آمیز دعوت می‌کند: «یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافه و لا تتبعوا خطوات الشیطان» (بقره/۲۰۸)، درباره زندگی مسالمت‌آمیز ادیان نیز می‌فرماید: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشکر به شیئاً و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله فان تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون» (آل عمران/۶۴)

طبیعت
تکامل‌پذیر
انسانی ایجاب
می‌کند که
بالاخره روزی
تمامی بشریت
به این آیین رو
آورند. پیامبر
اسلام (ص) نیز
عهده‌دار این
رسالت بود
که همگان را
به چنین دین
جهان‌شمولی
فرا بخواند.
آیات فراوانی
از قرآن کریم
در این زمینه
وجود دارند که
نشان‌دهنده
اندیشه
جهان‌شمولی
اسلام‌اند



حضرت امام (قدس سره) خود را در برابر مسلمانان و مستضعفان جهان مسئول می‌دانست و لذا از آغاز نهضت اسلامی خویش، بر آن بود که مبارزه با طاغوت را جهانی سازد

ب. ایجاد حکومت جهانی اسلام در منظر امام خمینی(ره)

نگاهی گذرا به اعلامیه‌ها، سخنرانی‌ها و موضع‌گیری‌های حضرت امام(ره) در طول نهضت و انقلاب اسلامی این حقیقت را به‌خوبی روشن می‌سازد که امام رسالتی فراتر از مبارزه با رژیم شاه و رهانیدن ایران از چنگال استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌المللی بر دوش داشته است. هدف و آرمان اصلی ایشان ترویج و گسترش نهضت و انقلاب «تا رفع فتنه در جهان» و «ایجاد حکومت جهانی اسلام» بوده است.

حضرت امام (قدس سره) خود را در برابر مسلمانان و مستضعفان جهان مسئول می‌دانست و لذا از آغاز نهضت اسلامی خویش، بر آن بود که مبارزه با طاغوت را جهانی سازد، ملت ایران را با دیگر توده‌های مسلمان بر ضد جهان‌خواران، به همراهی و همگامی وادارد و زمینه را برای پدیدآوردن «اتحاد اسلامی» در راستای قیام جهانی حضرت مهدی(عج) فراهم کند. از این رو پس از پیروزی انقلاب اسلامی دکتورین صدور انقلاب اسلامی را مطرح کرد. چرا که برای ایشان، صدور انقلاب به منزله تکلیف و عمل به ارزش‌های والای اسلام، یعنی حاکمیت اسلام و احکام مترقی آن در سراسر جهان بود. چنان‌که می‌فرماید: «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لاله‌الله و محمد رسول‌الله(ص) بر تمام جهان طنین نیفکند، مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم.» (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۱: ۲۲۶) و یا «باید تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها بدانند که ما تا آخرین نفر و تا آخرین منزل و تا آخرین قطره خون خود برای اعتلای کلمه الله ایستاده‌ایم و برخلاف تمامی آنان، حکومت نه شرقی و نه غربی را در اکثر کشورهای جهان پی‌ریزی خواهیم نمود.» (همان، ج ۲۰: ۶۱)

از همان سال‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی همواره این سؤال مطرح بود که آیا دولت و نظام اسلامی باید تنها در پی ایجاد رفاه و آسایش برای مردم ایران و سازندگی کشور اسلامی باشد یا اینکه در کنار این هدف، باید به هدف بزرگ‌تر انقلاب اسلامی، که آزادی همه ملل تحت ستم و تشکیل حکومت جهانی اسلام است، نیز بیندیشد.

تفکری که به تدریج بر برخی از مسئولان نظام اسلامی حاکم شد، این بود که چون ایران به‌عنوان ام‌القرای جهان اسلام مطرح است، پس باید ابتدا به فکر توسعه و سازندگی در داخل کشور بود و ان‌شاءالله در آینده، که از آبادانی و سازندگی ایران اسلامی فارغ شدیم، به فریاد دیگر ملل مظلوم هم خواهیم رسید و برای حاکمیت جهانی اسلام هم برنامه‌ریزی می‌کنیم!

اما در مقابل تفکر «ام‌القری»، امام راحل با ژرف‌اندیشی تمام و با پشتوانه عظیم اعتقاد به انقلاب جهانی حضرت حجت(عج)، مسئولان نظام را از اینکه تنها به ایران بیندیشد، بر حذر داشت. (شفیعی سروستانی، ۱۳۷۷: ۸-۴) چنان‌که فرمود: «مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست، انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت (ارواح‌نافذاه) است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهاده و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که برعهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به‌دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آن‌ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند.» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۱۰۸)

استنباط از این فرمایش امام راحل (قدس سره) آن است که ایشان جهانی کردن نهضت اسلامی را به‌منظور حاکمیت بخشیدن اسلام در سراسر جهان و کوتاه کردن دست استعمارگران و صهیونیسم در کشورهای اسلامی و مستضعف حتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تعقیب کرده و هرگز از محقق ساختن ایده جهان‌شمولی اسلام، یعنی برقراری حکومت واحد جهانی اسلام و مبارزه بی‌امان خویش علیه قدرت‌های استکباری، خسته و ناتوان نشده بلکه با ایمان کامل به راه ادامه داده است. چرا که ایشان معتقد بود: انقلاب اسلامی ایران مقدمه‌ای برای انقلاب عظیم منجی عالم بشریت، حضرت مهدی(عج) است. چنان‌که می‌فرماید: «ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم



هیچ عقل سلیم
و فطرت پاکی
دنیاپی را که
در آن عده
قلیلی با تکیه
بر قدرت، حقوق
اکثریت عظیمی
را پایمال کرده
باشند، دنیاپی
را که در آن
هر ملت، قوم و
گروهی دنبال
منافع ملی،
قومی و یا
گروهی خود
باشند - همین
وضعیتی که
امروز بر جهان
حاکم است -
دنیاپی ایده‌آل
و مطلوبی
نمی‌داند

حمایت از تمامی مستضعفان و محرومان جهان و ایستادگی در برابر ارکان استکبار و سران فتنه، جزو اصول و برنامه‌های ایشان بود.

ج. لزوم و علل ایجاد حکومت توحیدی مبتنی بر قوانین آسمانی قرآن

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، نیاز به یک حکومت واحد جهانی، نیاز فطری و طبیعی بشر است. بشر از زمانی که پا به عرصه حیات گذاشته، همواره در پی ساختن دنیایی بوده است تا بتواند در سایه آن از حقوق و امتیازات مساوی توأم با امنیت و آزادی برخوردار باشد. بر مبنای چنین اندیشه و تفکری بود که اسلام در جهان جهالت‌زده پرتو افکند و با جهانی اعلام کردن رسالتش در پی آن بود تا براساس یک قانون - آن هم قانون واحد الهی - دنیا را اداره کند و حاکمیت خدا را بر زندگی بشر مستقر سازد.

اسلام به‌عنوان یک مکتب حیات‌بخش از ابتدا رسالت خود را جهانی اعلام کرد تا دنیا را براساس قانون واحد الهی اداره کند و به مصداق آیه شریفه «ولله ما فی السموات و ما فی الارض» (آل عمران/ ۱۰۹) و همچنین: «ان الحكم الا لله» (انعام/ ۵۷): حاکمیت خدا را بر زندگی بشر مستقر سازد. آیات فراوانی در قرآن مجید دلالت بر این امر دارد که بی‌تردید تنها راه فلاح و سعادت بشر و دستیابی به صلح و امنیت عادلانه، حاکمیت قانون واحد الهی است. (اعراف/ ۱۵۸، آل عمران/ ۱۹ و ۸۵ ..)

هیچ عقل سلیم و فطرت پاکی دنیاپی را که در آن عده‌قلیلی با تکیه بر قدرت، حقوق اکثریت عظیمی را پایمال کرده باشند، دنیاپی را که در آن هر ملت، قوم و گروهی دنبال منافع ملی، قومی و یا گروهی خود باشند - همین وضعیتی که امروز بر جهان حاکم است - دنیاپی ایده‌آل و مطلوبی نمی‌داند. در میان تمامی نحله‌ها و مکاتب فکری، تنها مکتبی که بهترین پاسخ را به این ندای فطری و طبیعی بشر داده، اسلام است؛ مکتبی که با برخورداری از قانونی محکم، منسجم و جامع الاطراف مدعی اداره مطلوب جامعه‌ای است که در آن بشر می‌تواند در سایه حاکمیت قانون الهی و حکومت توحیدی به دنیایی بهتر و مطلوب‌تر برسد. چرا که در این مکتب همه اقوام و ملل از هر

و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور انقلاب راستین و بیان احکام محمدی (ص) است، به سطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی مصلح کل و امامت مطلق حق امام زمان - ارواحنا فداه - هموار می‌کنیم.» (همان، ج ۲۰: ۱۳۲)

یکی از راهبردهای مهمی که حضرت امام (قدس سره) در راستای تحقق بخشیدن به برقراری حکومت واحد جهانی اسلام آن را حائز اهمیت می‌دانست و به همگان گوشزد می‌کرد، نفی وابستگی به شرق و غرب بود؛ چرا که اقتدار و عزت مسلمانان ایجاب می‌کند تا سر در گرو ولایت طاغوت‌های شرق و غرب ندهند. چنان‌که می‌فرماید: «شعار «نه شرقی و نه غربی» ما شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم‌کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهایی است که در آینده نزدیک و به یاری خدا، اسلام را به‌عنوان مکتب نجات‌بخش بشریت می‌پذیرند و ذره‌ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد و کشورهای اسلامی و مردم مسلمان جهان باید نه وابسته به غرب و اروپا و آمریکا و نه وابسته به شرق و شوروی باشند که ان‌شاءالله به خدا و رسول خدا و امام زمان وابسته‌اند، و به‌طور قطع و یقین پشت کردن به این سیاست بین‌المللی اسلام، پشت کردن به آرمان مکتب اسلام و خیانت به رسول خدا و ائمه هدی است و نهایتاً مرگ کشور و ملت ما و تمامی کشورهای اسلامی است، و کسی گمان نکند که این شعار، شعار مقطعی است که این سیاست ملاک ابدی مردم ما و جمهوری اسلامی ما و همه مسلمانان سرتاسر عالم است. چرا که شرط ورود به صراط نعمت حق، برائت و دوری از صراط گمراهان است که در همه سطوح و جوامع اسلامی باید پیاده شود.» (همان، ج ۲۱: ۱۱۴)

نتیجه آنکه فراهم آوردن زمینه تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)، یعنی ایجاد حکومت واحد جهانی اسلام، مهم‌ترین اهداف آرمان حضرت امام بود که آن را از ابتدای شروع فعالیت‌های مبارزاتی تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از آن دنبال می‌کرد. به‌طوری که در دایره کوچک، حمایت از حقوق مسلمانان و ارائه کمک‌های ممکن به آنان، و در دایره بزرگ‌تر،



با این توضیح مختصر می‌توان مهم‌ترین دلایل استقرار یک حکومت واحد جهانی تحت حاکمیت قانون الهی را به شرح زیر بیان کرد:

ع جاودانی بودن دین اسلام

اسلام از بدو ظهور خود را با دیدی جهانی به مردم عرضه کرد: «و ما ارسلناک الا کافة للناس بشیراً و نذیراً» (سبا/۲۸)

و یا اینکه: «قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً» (اعراف/۱۵۸)

هر دو آیه از سوره سبا و اعراف مکی هستند. ترسیم سیاست جهانی در آیات مکی می‌رساند که پیامبر پس از پیروزی‌های چشمگیر و روزافزون خود، دیدگاه خود را تغییر نداده است و این‌گونه نبود که ناگهان به همه جهان چشم طمع دوخته باشد. بلکه از همان ابتدا رسالت جهانی داشت. جهانی بودن اسلام نیز دارای دو بعد زمانی و مکانی است؛ یعنی:

ع هم برای عموم بشریت (هرجا که باشند)؛

ع و هم برای همه ادوار (تا روزی که نسل‌های بشری پیاپی زاده شوند؛ یعنی ابدی بودن).

پس این گستردگی و جاودانگی بیانگر رسالت جهانی اسلام است و رمز جهانی بودن اسلام هماهنگی آن با طبیعت و فطرت بشری است: «فاقم وجهک للذین حنیفاً فطرت الله الّتی فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله» (روم/۳۰)؛ و چون فطرت امری است که دگرگونی در آن وجود ندارد، اسلام نیز جاودانگی و گستردگی خود را از این طریق اثبات کرده است. (خلیلیان، ۱۳۸۶: ۴-۲۲۳)

علاوه بر اینکه از مضمون صریح آیات متعدد قرآن می‌توان به جاودانگی بودن دین مقدس اسلام نیز پی برد، آنجا که می‌فرماید: و من یتغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین» (آل عمران/۸۵)؛ و همچنین: «ما کان محمد ابا احد من رجالکم و لکن رسول الله و خاتم النبیین» (احزاب/۴۰)، در آیه نخست با کلمه «لن» به معنی «هرگز» و در آیه دوم با کلمه «خاتم النبیین» آخرین پیغمبر حضرت محمد (صلی الله علیه و اله)، می‌توان جاودانی بودن اسلام را دریافت.

رنگ و نژادی باشند، دارای حقوق یکسان‌اند و هیچ ملتی بر دیگری برتری ندارد. تنها ملاک برتری بر ملت دیگر تقوای الهی است. یعنی هر کس بیشترین تعهد و التزام عملی را به حکومت قانون و حدود و احکام خدا بر زندگی خود داشته باشد، در جایگاه

برتر قرار می‌گیرد. این عین عدالت و مساوات هم هست؛ چرا که با همه انسان‌ها، از هر رنگ و نژاد و ملتی که باشند، طبق یک قانون رفتار می‌شود. یعنی قانون همه را به یک چشم نگاه می‌کند.

از طرف دیگر، در این مکتب توحیدی به دلیل اینکه همه تسلیم یک اراده و قانون هستند، اختلاف و تعارض در تبعیت از قانون الهی وجود ندارد، همه به دنبال یک راه هستند؛ آن هم راهی که خداوند یکتا تعیین کرده است و هوا و هوس در آن وجود ندارد. در این مکتب، انسان‌ها گرفتار «خداوندان اندیشه» نمی‌شوند- کما اینکه امروز تمدن جهان غروب دچار آن است- در صورتی که گرفتار شدن در چنبره چندخدایی، جامعه بشری را با خطر نامنی تهدید خواهد کرد و فتنه و فساد زمین را فرا خواهد گرفت؛ (دوست محمدی، ۱۳۷۷: ۳۳) چنان‌که در قرآن کریم آمده است: «لو کان فیهما الهة الا لله لفسدتا فسبحان الله رب العرش عما یتصفون» (انبیاء/۲۲) «اگر در آسمان و زمین به جز خدای یکتا خدایانی وجود داشت، همانا خلل و فساد در آسمان و زمین راه می‌یافت.»

خداوند سبحان برای اینکه فساد چندخدایی را به بهترین وجهی به بشر تفهیم کند، در قرآن کریم مثالی بسیار زیبا می‌زند و می‌فرماید: «ضرب الله مثلا رجلا فیه شرکاء متشاکسون و رجلا سلما لرجل هل یتویان مثلا الحمد لله بل اکثرهم لا یعلمون» (زمر/۲۹): خداوند حکایت مردی را مثل می‌زند آیا حال شخصی که ارباب متعدد و مختلف دارد، در اختیار چند نفر است و هر کدام یک دستوری به او می‌دهند، با حال شخصی که تسلیم امر یک نفر است و فقط از یک نفر فرمان می‌گیرد، یکسان است؟ سپاس و ستایش خدای راست، لیکن اکثر مردم این حقیقت را نمی‌دانند.

هدف اسلام ساختن همه انسان‌ها و هدایت آن‌ها در طریق سعادت و کمال است. برایش فرقی نمی‌کند که این انسان کجای زمین زندگی می‌کند، چه رنگی است و یا مثلاً از کدام نژاد و ملتی است.

**هدف اسلام
ساختن همه
انسان‌ها و
هدایت آن‌ها در
طریق سعادت
و کمال است.
برایش فرقی
نمی‌کند که این
انسان کجای
زمین زندگی
می‌کند، چه
رنگی است و یا
مثلاً از کدام نژاد
و ملتی است**



ع جامع‌نگری اسلام

سیدقطب در اثر خود به‌نام «آینده در قلمرو اسلام» می‌نویسد: «اسلام راهی است نمایان و روشن؛ راهی به زندگی و کمال. این آیین، عقیده‌ای است و برنامه‌ای. عقیده‌ای که جهان هستی را می‌شناساند، و موقعیت «انسان» را در این پهنه وسیع مشخص می‌سازد و هدف اصلی آفرینش او را بیان می‌کند؛ برنامه‌ای که کلیه سازمان‌ها و تشکیلات زندگی ساز را که از آن عقیده سرچشمه گرفته و بدان متکی است شرح می‌دهد و طرز فکر اسلامی را به‌صورت واقعیتی مجسم، در زندگی بشر جلوه‌گر می‌سازد؛ مانند:

۱. سازمان اخلاقی، یعنی ریشه‌های اخلاق و پایه‌های اساسی و نیروهای نگاه‌دارنده آن در اجتماع.
 ۲. تشکیلات سیاسی و شکل حکومت و خصوصیات آن.
 ۳. نظام اجتماعی و هر آنچه در نگهداری و بقای آن مؤثر است.

۴. سیستم اقتصادی و فلسفه و تشکیلات آن.
 ۵. حقوق بین‌المللی و هم‌بستگی جهانی.

ما معتقدیم که سرانجام بشریت فرمانبر اسلام خواهد شد و جهان در آینده، قلمرو اسلام خواهد گشت. گواه ما آنکه این آیین، راه زندگی و کمال است. می‌گوییم راه زندگی، زیرا کلیه لوازم یک زندگی اجتماعی سعادت‌مندان، به‌صورت مقرراتی متین و محکم، پیوسته و غیرقابل انفکاک، در برنامه آن گنجانیده شده و موجود است و همین مقررات است که زوایای مختلف زندگی بشر را اداره می‌کند و به نیازمندی‌های گوناگون وی پاسخ می‌دهد و نیروی‌های انسانی او را در راه‌های صحیح و ضروری مصروف می‌سازد.» (سیدقطب، بی‌تا: ۲۲-۱۹)

برنامه اسلام کامل و همه‌جانبه است و تفسیر جامع و وسیعی را که زیربنای نظام زندگی انسان‌هاست، پیشنهاد می‌کند. نیازمندی بشر به این برنامه‌ها به‌گونه‌ای است که نمی‌تواند روزگار درازی خود را از اسلام بی‌نیاز بداند و نسبت به آن بی‌تفاوت باشد. چرا که ناتوانی بشر در شناخت ماهیت، طبیعت و سرشت انسان، موضوعی نیست که فقط قرآن به

آن تصریح کرده باشد بلکه تمدن مادی امروز غرب، که داعیه اداره جامعه جهانی را تحت عنوان «نظم نوین جهانی» و به رهبری آمریکا دارد، پس از آن همه تلاش همه‌جانبه در جهت اداره جامعه انسانی با تکیه بر عقل بشری و اندیشه‌های سکولاریستی و «ومانیستی»^۲، به بن بست رسیده است. به‌طوری که بسیاری از صاحب‌نظران و اندیشمندان همین جامعه غربی، علل و ناتوانی غرب در تدبیر جوامع بشری و تأمین سعادت و کمال آن‌ها را ناتوانی بشر در شناخت صحیح و کامل انسان‌ها و وضع قوانین متناسب با طبیعت و سرشت انسان اعلام کرده‌اند.

در واقع، اگر انسان‌ها در کل جوامع بشری به جایی مراجعه کنند که از آدمی و سرشت او شناخت درستی داشته باشد، برای اداره زندگی‌شان با مشکل مواجه نخواهند بود. منتها خوی خودخواهی و خودبرتربینی انسان مانع از آن می‌شود که وی به کسی مراجعه کند که از همه‌نظر آدمی را می‌شناسد. اسلام معتقد است که این خالق انسان‌هاست که از مخلوق خود آگاهی کامل دارد و از همه هوی‌ها و هوس‌های او آگاه است. اوست که می‌تواند بهترین نسخه را برای اداره بهتر زندگی بشر صادر کند، زیرا خود می‌فرماید: «و لقد خلقنا الانسان و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن اقرب الیه من حبل الوريد» (ق/۱۶): و ما انسان را خلق کردیم و از وسوسه‌های نفس او کاملاً آگاهییم و ما از رگ گردنش به او نزدیک‌تریم.

منظور «ما از رگ گردنش به او نزدیک‌تریم» آن است که ما از همه کس و همه چیز به او نزدیک‌تر هستیم، او را بهتر از هر کس دیگری می‌شناسیم و آرزوها و نیازهایش را می‌دانیم و می‌توانیم بهترین قانون را برای تنظیم زندگی‌اش عرضه کنیم.

ع عدالت‌نگری اسلام

با نگرشی به مباحث گذشته، تردیدی باقی نمی‌ماند که تنها راه رستگاری و سعادت بشر و تنها راه دستیابی به صلح و امنیت عادلانه، حاکمیت قانون واحد الهی است. چون در قانون الهی همه انسان‌ها به یک چشم نگر بسته می‌شوند، همه ملت‌ها و قبیله‌ها دارای حقوق مساوی هستند و به اندازه هم از مواهب زندگی بهره‌مند می‌شوند. هیچ‌کس مگر بر معیار تقوای الهی، بر دیگری برتری ندارد. اسلام اختلاف

منظور «ما از رگ گردنش به او نزدیک‌تریم» آن است که ما از همه کس و همه چیز به او نزدیک‌تر هستیم، او را بهتر از هر کس دیگری می‌شناسیم و آرزوها و نیازهایش را می‌دانیم و می‌توانیم بهترین قانون را برای تنظیم زندگی‌اش عرضه کنیم



پی‌نوشت‌ها

۱. یوتوپیا (Utopia) یا جامعه آرمانی، ناکجا آباد. جامعه کمال مطلوب که از کتابی به همین نام، نوشته توماس مور دانشمند انگلیسی گرفته شده است. توماس مور در این کتاب کشوری خیالی را که در آن عدالت و مساوات برقرار است، توصیف کرده است.
۲. Omanism. (انسان‌مداری) هویت فرهنگی عصر جدید غرب است. بر اساس این اصل، انسان مدار و محور همه اشیاست و خالق ارزش‌ها و ملاکش تشخیص خیر و شر است. در واقع انسان جای خدا می‌نشیند و قادر است بدون مدنظر قرار دادن دین و ارتباط با ماورای طبیعت مشکلات زندگی و دنیای خود را حل و فصل کند. بر پایه این اصل انسان با دو اهرم عقل و علم دیگر نیاز به دین ندارد. بنابراین، اومانیزم که نوعی انسان‌محوری است، در مقابل مکتب دین، که بر اساس خدامحوری است، قرار گرفته است.
۳. مهدی فرزند پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است. او اولاد بانوی بزرگ اسلام، حضرت فاطمه زهرا (س) و نهمین امام از نسل امام حسین (ع) است که سحرگاه نیمه شعبان، در سال ۲۵۵ هجری در شهر سامره به دنیا آمد، نام زیبایش نام پیامبر و لقبش مهدی، قائم، امام زمان و ولی عصر است. پسر گرامی‌اش حضرت امام حسن عسکری (علیه‌السلام) و مادر مکرمش نرجس خاتون نام دارد. او خاتم اولیا، وصی اوصیا، منجی نهایی، قائد جهانی، انقلابی اکبر، و مصلح اعظم است.

منابع

۱. قرآن مجید.
۲. اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی. انتشارات سمت. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۲.
۳. ایزدی، بیژن. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم. ۱۳۷۱.
۴. بخشی، علی‌قا. فرهنگ علوم سیاسی. مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران. تهران. ۱۳۷۵.
۵. بیگدلی، علی. تاریخ اندیشه سیاسی در غرب از طالس تا مارکس (جلد اول). انتشارات عطا. تهران. ۱۳۷۶.
۶. جمعی از نویسندگان. جامعه ایده‌آل اسلامی و مبانی تمدن غرب. سازمان تبلیغات اسلامی. تهران. ۱۳۷۷.
۷. جونز، وت. خداوندان اندیشه سیاسی. ترجمه علی رامین. امریکیر. تهران. ۱۳۵۸.

ظاهری و وجود گروه‌ها و قبیله‌های مختلف را نشان از اراده خداوند و ضرورت شناسایی یکدیگر معرفی می‌کند اما مدعی است که به‌رغم این تکثر، همه باید تابع یک قانون باشند. به همین دلیل، به یک حکومت واحد جهانی تحت حاکمیت قانون الهی اعتقاد دارد؛ چرا که هدفش ساختن همه انسان‌ها و هدایت آن‌ها در طریق سعادت و کمال واقعی است. اسلام معتقد است آنچه موجب برتری انسان‌ها نسبت به یکدیگر می‌شوند، تقوا و پرهیزگاری است، نه رنگ، نژاد و ملیت. اگر نگاهی به سایر اندیشه‌ها و مکاتب بیندازیم، هرگز چنین جامعیتی را نخواهیم دید. برای نمونه، می‌توان از نظم نوین جهانی آمریکا نام برد که داعیه رهبری جهان را دارد. به‌راستی آیا چنین تفکری قادر است امنیت و عدالت واقعی را برای همه جهانیان تأمین سازد؟

د. مصلح بزرگ جهانی

آرزوی تشکیل جامعه جهانی از دیرباز در جامعه بشری وجود داشته است تا آنجا که به اعتقاد بعضی از نویسندگان، این آرزو برخاسته از انگیزه‌های فطری جوامع بشری بوده و به همین سبب، در تمام ادیان الهی و حتی غیرالهی به صورت یک اصل مسلم به حساب آمده است و همگان فرارسیدن چنین روزی را نوید داده‌اند. فطرت و نهاد آدمی به وضوح فریاد می‌زند که سرانجام صلح و عدالت جهان را فرا خواهد گرفت و بساط ظلم و ستم برچیده می‌شود. از این‌رو، تقریباً همه ادیان متفق‌اند که روزگاری مصلحی بزرگ بر جهان حاکم می‌شود و صلح و عدالت جهانی را محقق می‌سازد.

قرآن، به‌عنوان مهم‌ترین منبع اسلامی، نیز خبر از تحقق یک حکومت عدل جهانی در سایه ایمان می‌دهد و بر آن تأکید می‌کند؛ از جمله می‌فرماید: «و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون» (انبیا/۱۰۵): «و ما بعد از «تورات» در «زبور» داود نوشتیم که البته بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد. «وعد لله الذین امنوا منکم و عموا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امنا یعبدوننی لایشرون بی شیئا و من کفر بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون» (نور/۵۵): «و خدا به کسانی از شما بندگان که ایمان آورد و نیکوکار شود، وعده فرموده که در زمین خلافت دهد، چنان‌که پیشینیان آنان را به خلافت رسانده و علاوه بر خلافت، دین پسندیده آنان را بر همه ادیان تمکین و تسلط عطا کند و به همه مؤمنان پس از خوف

و اندیشه از دشمنان، ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی بی‌هیچ شائبه شرک و ربا پرستش کنند و بعد از آن هر که کافر شود، به حقیقت همان فاسق و تبهکار است.

«یریدون ان یطفئوا نورالله بفواهم و یابی الله الا ان یتم نوره ولو کره الکافرون هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون» (توبه/ ۳۲ و ۳۳): «کافران» می‌خواهند که نور خدا را به نفس تیره و گفتار جاهلانۀ خود خاموش کنند و خدا نگذارد تا آنکه نور خود را در منتهای ظهور و حد اعلا کمال برساند؛ هر چند کافران ناراضی و مخالف او باشند. اوست خدایی که رسول خدا را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا به همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد؛ هر چند مشرکان و کافران ناراضی و مخالف باشند.

«و نرید ان نمّ علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمةً و نجعلهم الوارثین» (قصص/۵): «و ما اراده کردیم که بر آن طایفه ضعیف و دلیل در آن سرزمین منت گذاریم، آن‌ها را پیشوایان خلق قرار دهیم و وارث ملک و جاه گردانیم.

در نظر مفسران، به‌ویژه مفسران شیعه، تمامی آیات فوق به‌علاوه این حدیث رسول مکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) که فرموده است: «اگر از عمر دنیا، حتی یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را چندان طولانی می‌گرداند تا یکی از اهل بیت من برانگیزد که جهان را پر از عدل و داد کند، همچنان که پر از ظلم و جور بود» (عنایت، ۱۳۷۳: ۵۳)، اشاره به اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق و صلح و عدالت بر نیروی باطل و ظلم و ستم، و ظهور حکومت واحد جهانی دارد که نیکوکاران و مستضعفان به‌منظور گسترش جهانی با ایمان اسلامی، استقرار کامل و همه‌جانبه ارزش‌های انسانی و تشکیل مدینه فاضله و جامعه ایده‌آل، به‌وسیله شخصیتی مقدس و عالی‌قدر که در روایات اسلامی از او به مهدی^{۱۵} تعبیر می‌شود، آن را به تحقق خواهند رساند.

نتیجه‌گیری

حکومت واحد جهانی تفکری است که در آینده تحقق خواهد یافت. روشن‌ترین دلیل این ادعا، اجماع و اتفاق نظر بشر، با تمامی ادیان، مذاهب و فرهنگ‌هایشان، در برپایی چنین حکومتی است. «یهود» به ظهور سلطنت خود بر جهان اعتقاد دارد و «نصاری» به بازگشت مسیح نجات‌بخش معتقد است. مسلمانان نیز به ایجاد حکومت واحد جهانی به‌وسیله شخصیتی مقدس به‌نام مهدی ایمان دارند.



علاوه بر اینکه در اندیشه متفکران مغرب‌زمین نیز چنین اعتقادی وجود دارد، صرف‌نظر از درستی یا بطلان این عقاید انسان، مهم‌ترین نتیجه‌ای که از آن می‌توان گرفت این است که اندیشه حکومت جهانی، تفکری زنده و پویاست که ریشه در فطرت و وجدان آدمی دارد.

اسلام آیین جهانی و تکمیل‌کننده ادیان الهی قبل از خود است که در محدوده زمان، مکان و نژاد خاصی قرار نمی‌گیرد. رسالت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه و آله) نیز برای بشارت و انداز به تمام انسان‌هاست، و خداوند آخرین پیامبر و کامل‌ترین دین خود را سوی انسان‌ها فرستاد تا آن را بر همه دین‌های قبلی غالب گرداند. بنابراین، به اعتبار جهانی بودن این دین و آیه شریفه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»، تمامی ملل اسلامی موظف‌اند به‌منظور تشکیل «امت واحد» به وحدت و یکپارچگی برسند تا جهان وطنی به‌عنوان یکی از آرزوهای دیرین بشری تحقق یابد.

از طرف دیگر، اسلام بر پایه یک نیاز فطری بشر و یا یک استدلال عقیده دارد که اگر قرار است جامعه بشری به بهترین شیوه اداره شود و بشر روی صلح، امنیت و سعادت واقعی را به خود ببیند و راه رشد و تکامل را طی کند، راهش این است که همه جهان تحت قانون واحدی آن هم مبتنی بر قوانین آسمانی اسلام، اداره شود. چرا که در این مکتب مرزهای ملی و قومی، رنگ و نژاد، فقیر و غنی و به عبارت دیگر، امتیازات طبقاتی وجود ندارند و همه در چارچوب قانون اسلام از حقوق و امتیازات برابر برخوردارند. اسلام از ابتدا نگاهش به همه انسان‌ها به‌عنوان یک خانواده بوده است: «کلکم من آدم و آدم من تراب»؛ همه شما از آدم هستید و آدم از خاک. با این دیدگاه همه انسان‌ها صرف‌نظر از مذهب، رنگ، نژاد و... از یک خانواده‌اند. از ویژگی‌های بارز چنین نظام جهان‌شمولی، عدالت فراگیر و امنیت کامل آن است.

در این دین، مستضعفان جهان با ایمان اسلامی و استقرار کامل و همه‌جانبه ارزش‌های انسانی، تشکیل جامعه ایده‌آل را به‌وسیله شخصیتی مقدس و عالی‌قدر، یعنی حضرت مهدی (عج)، به تحقق خواهند رسانند. در راستای چنین تفکری، نظام اجتماعی عادلانه‌ای برقرار می‌شود که در پرتو آن، کلیه ستم‌ها و تبعیض‌ها از جامعه بشری ریشه‌کن می‌شوند و عدالت جایگزین آن‌ها می‌شود؛ چنان‌که در روایات متعددی به این موضوع اشاره شده است، از جمله: «یملأ الله به الارض عدلاً و قسطاً بعد ما

ملئت ظلماً و جوراً» (نظام جهانی، ۱۳۷۶: ۱۷۲): خداوند به‌وسیله او (حضرت مهدی (عج)) زمین را پر از عدل و داد می‌کند، پس از آنکه از جور و ستم پر شده باشد.

علاوه بر اینکه در چنین نظامی امنیت - که یکی از ضروری‌ترین مسائل حفظ و تداوم جامعه انسانی و از آرزوهای دیرین بشر برای صلح و آرامش بوده و هست - برای همه کسانی که بخواهند زندگی شرافتمندانه و انسانی داشته باشند، به شکل مطلوب تأمین خواهد شد. «و لیبدلتهم من بعد خوفهم امناً...» (نور/۵۵): و دوران خوف آنان را به دوران امنیت تبدیل می‌کند.

حضرت امام خمینی، بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران، که اندیشه‌هایشان ملهم از قرآن کریم و سنت نبوی مکرم اسلام و ائمه هدی - سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین - است از آغاز نهضت اسلامی خویش با جهانی ساختن مبارزه با طاغوت، ملت ایران را با دیگر توده‌های مسلمان بر ضد استعمارگران، به همراهی و همگامی و می‌دارند تا زمینه برای پدید آمدن اتحاد ملل اسلامی در راستای آماده‌سازی قیام جهانی حضرت مهدی (عج) فراهم شود. نمود بارز چنین تفکری، حمایت و پشتیبانی از مبارزات مردم فلسطین علیه صهیونیسم و ایده صدور انقلاب اسلامی به فراسوی مرزهای ایران است. از این نظر تشکیل حکومت اسلامی در ایران هیچ‌گاه باعث نشد تا ایشان از حرکت در جهت تحقق آرمان جهانی اسلام باز ایستند و سایر ملل اسلامی و مستضعف را به فراموشی بسپارد؛ چنان‌که می‌فرماید: «ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان‌خواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی و مصلح کل و امامت مطلقه حق امام زمان - ارواحنا فداه - هموار می‌کنیم.» (صحیفه نور، ج ۲: ۱۳۲)

بنابراین، ایجاد حکومت واحد جهانی (وحدت جامعه بشری) مبتنی بر قوانین اسلامی امری حتمی و جزو بشارت‌ها و وعده‌های قرآن کریم است. در این نظام، تمامی سرزمین‌ها، کلیه ادیان و مذاهب، و جمیع ملت‌ها در یک سیستم واحد اداره می‌شوند و تحت تدبیر و هدایت قرار می‌گیرند. چرا که این نظام قادر است علاوه بر تأمین نیازهای مادی و معنوی بشر، عدالت و امنیت را در جهان برقرار سازد.

۱. امام خمینی، روح‌الله. جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی (قدس‌سره). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. تهران. ۱۳۷۸.
۲. خلیلیان، سیدخلیل. حقوق بین‌الملل اسلامی. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. چاپ سوم. تهران. ۱۳۷۸.
۳. دوست‌محمدی، احمد. «دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام» (جزوه درسی). انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. ۱۳۷۷.
۴. راسل، براتراند. آیا بشر آینده‌ای هم دارد؟ ترجمه م. منصور. انتشارات مروارید. تهران. ۱۳۴۴.
۵. روحانی، سیدحمید. نهضت امام خمینی (جلد دوم). واحد فرهنگی بنیاد شهید. تهران. ۱۳۶۴.
۶. امام خمینی، روح‌الله (تاریخ‌های متفاوت). صفحه نور (۲۲ جلدی)، مجموعه سخنرانی‌ها و پیام‌های حضرت امام خمینی. انتشارات مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۷. طاهری، ابوالقاسم. تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب. نشر قومس. چاپ اول. تهران. ۱۳۷۴.
۸. عمید زنجانی، عباسعلی. مبانی اندیشه سیاسی اسلام. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. تهران. بی‌تا.
۹. فقه سیاسی (جلد سوم). امیرکبیر. تهران. ۱۳۶۷.
۱۰. عنایت، حمید. اندیشه سیاسی در اسلام معاصر. ترجمه بهاءالدین خرمشاهی. تهران. ۱۳۷۳.
۱۱. سیدقطب. آینده در قلمرو اسلام. ترجمه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. انتشارات هجرت. تهران. ۱۳۷۴.
۱۲. لاریجانی، محمدجواد. کاوش‌های نظری در سیاست خارجی. انتشارات علمی و فرهنگی. تهران. ۱۳۷۴.
۱۳. مطهری، مرتضی. قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ. انتشارات صدرا. چاپ ۱۵. تهران. ۱۳۷۴.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر. مهدی انقلاب بزرگ. انتشارات مطبوعاتی هدف. تهران.
۱۵. سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع (۱۳۷۶). «نظام جهانی» (جزوه درسی).
۱۶. ماهنامه اطلاعات سیاسی، اقتصادی، وابسته به مؤسسه اطلاعات، شماره‌های ۶۴-۶۳ و آذر و دی‌ماه ۱۳۷۱ و ۸۰-۷۹ فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۳.
۱۷. ماهنامه موعود، شماره ۸۰. خرداد و تیرماه ۱۳۷۷.